

## زندگی نامه آیت الله میرزا جواد تبریزی (رضوان الله تعالی علیه)

مرحوم فقیه راحل میرزا جواد تبریزی(ره) در سال 1305 ش مطابق با 1345 هـ . ق در شهر تبریز در محله منجم باشی، نزدیک مسجد عربلر چشم به جهان گشود ...



مرحوم فقیه راحل میرزا جواد تبریزی(ره) در سال 1305 ش مطابق با 1345 هـ . ق در شهر تبریز در محله منجم باشی، نزدیک مسجد عربلر چشم به جهان گشود. ...

وی زندگی خود را در یک خانواده متوسط و متدین شروع کرد. پدر ایشان به حاج علی کُبار معروف بود، و در محل زندگی و بازار ایشان را به عنوان یک شخص متدین و متعهد می شناختند. اهل مسجد بود و یک حجره تجارت خشکبار در سراي حاج میرابو الحسن داشت، مادر مرحوم میرزا(ره) خانم فاطمه سلطان از بانوان بسیار متدین و مؤمن بود. در بین بانوان شخصیت این بانو به زهد و تقوی معروف بود، مرحوم میرزا (ره) از پدر و مادری متدین و دارای ویژگی معنوی والایی به دنیا آمد، معنویت این خانواده به قدری بود که در منزل خود یک نماز خانه دایر کرده بودند. از همان آغاز مرحوم میرزا(ره) در تحصیلات مدارس جدید بسیار موفق بود، همیشه از نمرات بالایی برخوردار می شد و مدیر و معلمین به خاطر استعداد سرشار و فوق العاده ایشان نوید آینده ای درخشان را می دادند. بعد از پایان دوره متوسطه، در سال دوم دبیرستان بود که مرحوم میرزا (ره) کم کم به خاطر جذابیت و معنویت حوزه علمیه و آشنائی با گروهی از طلاب فاضل، تصمیم به رها نمودن تحصیلات کلاسیک نمود. با توجه به اینکه خانواده مرحوم میرزا (ره) با ترک مدرسه موافق نبودند لذا ایشان دنبال بهانه ای می گشت تا بتواند دبیرستان را رها کرده و به دروس حوزه مشغول شود، بعد از مدتی مسئولین دبیرستان تصمیم می گیرند که درس موسیقی را جزء دروس قرار دهند، و با برگزاری اولین کلاس موسیقی مرحوم میرزا (ره) فرصت را مغتنم شمرده و با این بهانه که این خلاف شرع است دبیرستان را ترک می کند و حاضر نمی شود دیگر در آن مدرسه ادامه تحصیل دهد، مدیر و معلمان با مراجعه به پدر مرحوم میرزا (ره) از او می خواهند که فرزند خود را از تصمیم خود منصرف نماید، زیرا او آینده ای درخشان دارد. لکن مرحوم میرزا (ره) مقاومت نموده، سرانجام با پناه بردن به مدرسه طالبیه تبریز و با جدیت درس را شروع می کند، مدیر دبیرستان تصمیم می گیرد خود را به حجره مرحوم میرزا (ره) برساند و او را قانع به بازگشت به دبیرستان نماید، لذا با مقداری هدایا به حجره مرحوم میرزا (ره) می رود و از او می خواهد که به دبیرستان برگردد. لکن مرحوم میرزا (ره) می گوید: من با خدا عهد بسته ام که دروس حوزه را شروع کنم و این راه را انتخاب کرده و از تصمیم خود بر نمی گردم. من می خواهم راهی را بروم که نهایتش خدمت به دین و مذهب بر حق تشیع باشد. مرحوم میرزا(ره) در صدد بود از هر راه ممکن رضایت پدر و مادر را جلب کند، زیرا که عدم رضایت آنها او را آزار می داد او با عشق و علاقه فراوان می خواست به دین خدمت کند و به خاطر مخالفت والدین آرامش نداشت، و همواره در فکر چاره جوئی بود، و این امر موجب شد که به استخاره پناه ببرد و با خدای خود عهد می بندد که اگر استخاره خوب آمد به درس حوزه ادامه دهد، و به تدریج رضایت والدین را جلب نماید، و اگر استخاره بد آمد آنچه که پدر و مادر به او امر کنند اطاعت نماید.

مرحوم میرزا (ره) شنیده بود که شیخ هدایت غروی (ره) از اشخاصی است که استخاره او مجرب است و در میان مردم شهر تبریز مشهور بود که مضمون استخاره را شرح می دهد، به نزد مرحوم شیخ هدایت(ره) رفته و استخاره طلب می کند، شیخ هدایت(ره) به محض آنکه استخاره را می گیرد چهره اش برافروخته می شود، مرحوم میرزا (ره) می گوید: يك لحظه با نگاه به چهره شیخ، ترسیدم، ناگهان رو به من کرد و گفت: چکار می خواهی بکنی پسر، می خواهی نبی (پیامبر) بشوی و پا درجای انبیاء بگذاری، من جایگاه تو را در نزد ائمه(علیهم السلام) می بینم !!

(این قضیه استخاره را مرحوم میرزا(ره) تا آخر عمر به اعضاء خانواده خود نقل نکردند و به مناسبتی این قضیه را به برادر خود حاج کریم رهبر سعادت نقل کرده و قول گرفته بودند که در زمان حیاتشان فاش نشود).

بعد از آنکه استخاره را گرفتند، تصمیم می گیرند با جدیت به درس حوزه ادامه دهند و از طرفی پدر و مادر خود را راضی کنند، که بعدها این رضایت حاصل شد، و پدر و مادر به داشتن چنین فرزندی افتخار می کرده و همیشه دعا گوی او بودند. ایشان در مدرسه طالبیه تبریز سکونت گزید و با مرحوم علامه شیخ محمد تقی جعفری(ره) هم حجره می گردد و با جدیت شروع به درس خواندن می نماید تعهد به حضور در درس از آغاز مرحوم میرزا(ره) را در طالبیه تبریز شاخص کرده بود، و کم کم استعداد علمی او بروز می کند و توانست دروس سطح را در تبریز به پایان برساند، فاضل محترم آقای حاج میر علی اکبر فردوس (از تجار خیر و متدین تبریز که از زمانی که فقیه مقدس، مرحوم میرزا(ره) در طالبیه تبریز مشغول به تحصیل بودند باهم آشنائی داشتند و در طول مرجعیت مرحوم میرزا (ره) ایشان وکیل و امین مرحوم میرزا (ره) در تبریز بودند)، در جمعی می فرمودند: وقتی مرحوم میرزا (ره) در طالبیه تبریز حرکت می کرد، به وضوح مشاهده می شد که طلاب متوجه او می شوند و با اشاره به یکدیگر می گویند: این شخص بسیار فاضل است و در تحصیل بسیار موفق است. طلاب از وجود ایشان در هر فرصتی استفاده می کردند و مقام علمی ایشان از همان جوانی که در طالبیه قدم می زدند، به وضوح مشخص بود و اوقات خود را صرف درس و بحث می کرد و عاشق کسب علم بود و طلاب سعی می کردند هنگامیکه میرزا(ره) در طالبیه در حال تردد بود از او استفاده کنند و در هر فرصت ممکن از علم سرشار او بهره ببرند.

طلاب در طالبیه تبریز روزها حلقه بحثی داشتند که افراد فاضل و معروف مدرسه می نشستند و طلاب گرد آنان حلقه زده و شروع به سؤال و جواب می کردند، مرحوم میرزا(ره) هم حلقه حثی داشت که از سایر حلقه های بحث شلوغتر بود و افراد دور بر ایشان را گرفته و شروع به بحث می کردند. تسلط و احاطه علمی مرحوم میرزا (ره) به قدری بود که طلاب به دور آن حلقه علمی با شوق و ذوق گرد می آمدند.

مرحوم میرزا (ره) برغم مشکلات مادی با جدیت درس می خواند ایشان نقل کردند: چیزی در حجره برای خوردن نداشتیم من و علامه جعفری(ره) مانده بودیم چه کنیم، بعد از ظهر جمعه تاجری به مدرسه آمد و به ما مبلغی داد جهت نماز وحشت، توانستیم با آن پول چند روزی را بگذرانیم، خداوند متعال به ما عنایت می کرد و هرگاه با مشکلی برخورد می کردیم تفضلی می فرمود و ایام را پشت سر می گذاشتیم و در هر حال شکر گزار بوده و با گرسنگی و ناداری آشنا شده بودیم، احساس وظیفه و ادای آن موجب می شد توکلیمان بیشتر باشد و به آنچه که خدا مقدر کرده بود می ساختیم.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم رضائیان می گوید: فقیه راحل مرحوم میرزا(ره) در طالبیه تبریز به فضل و علم معروف بود و افراد فراوان به ایشان علاقه داشتند و از ایشان استفاده می کردند. و بعضی اوقات حلقه بحث در حیاط مدرسه طالبیه تبریز ایجاد می شد و طلاب با هم بحث می کردند. یکی از حلقه های بحث، مربوط به فقیه راحل مرحوم میرزا جواد تبریزی(ره) بود که ایشان با مرحوم علامه شیخ محمد تقی جعفری(ره) بحث می کرد و این بحث چنان پر بار بود که حدود پنجاه الی شصت طلبه دور مرحوم میرزا (ره) حلقه می زدند، و از وجود ایشان استفاده می کردند. واقعاً مرحوم میرزا (ره) زحمت کشیده بود و در دوران جوانی از هر نظر می درخشید، و تمام اوقات خود را به مطالعه و درس مشغول بود، و از برکات آن زحمات خالصانه است که امروز حوزه علمیه قم دارای فضایی است که افتخار حوزه می باشند، وسکان دار سطوح عالی حوزه هستند، و آثار علمی ایشان که به قلم مبارک ایشان نگاشته شده است، افتخاری دیگر برای حوزه می باشد، از این رو طلاب جوان باید از زندگی این فقیه راحل(ره) درس بگیرند، و جهت رسیدن به درجات بالا و کسب مقامات عالی، ایشان را الگو قرار دهند.

تمام مراحل زندگی مرحوم میرزا (ره) درس است، و این مراحل چهار گانه که شامل تحصیل در تبریز، و تحصیل در قم، و دوران سکونت در حوزه نجف، و سپس بازگشت به قم مقدسه می باشد، هر لحظه اش راهکاری است به سوی رسیدن به مرتبه کمال و معرفت.

پس از چند سال تحصیل کم کم مرحوم میرزا (ره) احساس می کند که باید حوزه تبریز را ترک کرده و به حوزه علمیه قم منتقل شود تا مراتب علمی خود را آنجا کامل نماید. در سال 1364 ه.ق در حالی که مرحوم میرزا (ره) 19 سال بیشتر نداشت. به قم منتقل می شوند و در درس آیت الله سید محمد حجت کوه کمری(ره) چهار سال اصول و فقه حاضر می شوند، و درس آیت الله رضی زنوزی تبریزی(ره) چهار سال، اصول و فقه حاضر می شوند و چهار سال، درس فقه در نزد مرحوم آیت الله خراسانی(ره) تلمذ می کند و در طول سکونت در قم که نه سال طول کشید در دروس فقه استاد الفقهاء و المجهتهدین آیت الله بروجردی(ره) اصول و فقه حاضر می شود که عمده استفاده ایشان از سید بروجردی(ره) بوده است که مورد توجه ایشان قرار می گیرند، و به خاطر تسلط و استعداد علمی ایشان را جزء ممتحنین حوزه قرار می دهد. کرسی درس مرحوم میرزا (ره) در قم از رونق خاصی برخوردار بود. درس ایشان زبانه زد طلاب بود و مسجد نو - روبروی شیخان - مملو از طلاب می شد، و به قول آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی(حفظه الله)، درس مرحوم میرزا (ره) به قدری شیرین و با محتوا بود که هنوز حلاوت آن درس را احساس می کنم و آن گونه درس را بعدها نیافتیم.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رضائیان می گوید: من هم از ایران به نجف رفتم و مدتی در حوزه نجف بودم. بعد یک سفر به ایران داشتیم که به محضر مبارک شیخ آیت الله میرزا هاشم (ره) رسیدم و ایشان تا مرا دید، با شوق و ذوق خاصی از من سؤال کرد: از میرزا جواد (ره) چه خبر، ایشان چه کار می کند؟ واقعاً میرزا جولان فکر داشت. مرحوم میرزا هاشم (ره) از هیچ کس سؤال نکرد، فقط جویای حال میرزا(ره) شد، و این خود نشان می داد که مرحوم میرزا(ره) کسی نبود که فراموش شود.

مرحوم میرزا(ره) می فرمودند: ما در حوزه قم بودیم و آوازه حوزه نجف را می شنیدیم. خیلی در حسرت نجف می سوختم، ولكن راهی برای هجرت به آن دیار نمی یافتیم، همیشه در این فکر بودم که آیا می شود روزی ما هم موفق شویم حوزه نجف را درک کنیم و در جواز مرقد مطهر امیرالمؤمنین و آبا عبدالله الحسین(علیهم السلام) ادامه تحصیل دهیم، و این آرزو موجب شده بود که توسل فراوان داشته باشم تا آنکه خداوند متعال حاجت من را برآورده کرد، و در یک جلسه علمی که داشتیم خدا عنایت کرد و اسباب مهیا شد و موفق به هجرت به نجف شدم.

خصوصیات آن جلسه به نقل از مرحوم میرزا(ره) اینگونه است، که ایشان فرمودند: بعضی تجار تبریزی، از تهران یا تبریز به قم می آمدند، و طلاب آذربایجانی را به میهمانی دعوت می کردند، یک روز حاج یعقوب اپکچی(ره) از تجار متدین تبریز ساکن در تهران به قم آمده بود و طلاب را دعوت کرد، من هم در آن جمع بودم، در آن جمع عده زیادی از علماء که بعضی از آنان از مراجع بودند، حضور داشتند، آن زمان من هم یک طلبه جوان بودم، در آن جلسه مسأله علمی مطرح شد که در اطراف این موضوع طلاب بحث کردند، که من وارد بحث شده و گفتم جواب مسئله این نیست که می گوئید، بلکه جواب این است. نخست بعضی طلاب از اینکه من وارد بحث شدم خوششان نیامد، لکن کم کم بعضی از فضلاء جلسه حرف مرا تأیید کردند، و این موجب شد که میزبان توجه خاصی به من کند. خود را به من رساند و گفت اگر آقایان رفتند

شما بمان با تو کار دارم. بعد از رفتن کلیه افراد حاج یعقوب(ره) به نزد من آمد و گفت: ما شاء الله مسلط هستی. دوست دارم اگر حاجتی داری برایت برآورده کنم. مرحوم میرزا (ره) گفتند: ما که دنبال حوائج دنیا نمی گشتیم و فقط به درس و بحث

مشغول بودیم، به او گفتم سالها است آرزو دارم حوزه نجف را ببینم و در آنجا تحصیل کنم، لکن امکانات و خرجی راه و استقرار در نجف را ندارم، مرحوم میرزا (ره) می گوید: این تاجر به من قول داد کارهایم را انجام دهد، و در مدت سه روز ضمن تهیه گذرنامه تمام ما یحتاج راه را تهیه کرد. من به عنایت اهل بیت (علیهم السلام) به نجف اشرف سفر کردم تا نجف بودم این تاجر متدین گاهی به من عنایت داشت، و حتی بعد از بازگشت از نجف مجبتهای فراوانی کرد، و هر چند وقت یک بار به دیدن می آمد، خدا رحمتش کند خیلی خدمت کرد الان در قبرستان ابو حسین قم مدفون می باشد. خداوند به واسطه این تاجر خیر اندیش امور ما را مرتب و تأمین نمود.

این مرد نیکو کار بارها و بارها علی رغم مکنات و ثروت فراوانی که داشت می گفت بهترین لذت من آن است که شب جمعه زیر قبه امام حسین (علیه السلام) حاضر شوم. شبهای جمعه سعی می کرد خود را به کربلا رسانده و زیر قبه امام حسین (علیه السلام) عاشقانه اشک می ریخت. روحش شاد باد. و بعد از مهیا شدن امکانات، مرحوم میرزا (ره) به طرف مرز خسروی حرکت می کند و در آن مناطق به دلیل جاری شدن سیل دو روز مکث می کند و بعد از وارد شدن به عراق ابتداء به زیارت کاظمین (علیهم السلام) و سپس به زیارت کربلاء معلی و بعد از آنکه مرحوم میرزا (ره) به نجف اشرف می رسد بعد از زیارت مرقد مطهر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) در مدرسه خلیلی مهمان دوست دیرین خود مرحوم شهید آیت الله میرزا علی غروی (ره) می گردد، و بعد از چند روز یک حجره ای در مدرسه قوام السلطنه شیرازی که در پشت مسجد طوسی قرار داشت به دست می آورد، و مشغول تدریس مکاسب و کفایه در مسجد خضراء و مسجد عمران شدند و روز به روز بر وسعت حوزه درسشان افزوده می گردد، تاریخ دقیق هجرت مرحوم میرزا (ره) به نجف اشرف سال 1371 هـ. ق است. حجت الاسلام و المسلمین سید علی مرعشی در خصوص فضل مرحوم میرزا (ره) می گفتند: مرحوم میرزا (ره) از نجف به کربلاء با ماشین چوبی که آن زمان بود می رفتند و در ماشین جد ما آیت الله سید محمد مرعشی (ره) حضور داشت عده ای از طلاب هم بودند در بین راه بعضی عوام مسائلی را از طلاب می پرسند که سؤال و جواب رد و بدل می شود که مرحوم میرزا (ره) با اشکال به جواب بعضی مسائل، جواب صحیح را می دهد، سید علی مرعشی می گوید، مرحوم میرزا (ره) مورد توجه جد ما قرار می گیرد و آدرس حجره او را گرفته و بعد از چند روز به حجره مرحوم میرزا (ره) رفته و مبلغی را هدیه می کند من هم از کربلاء آمده بودم تعدادی عبا آورده بودم که یکی را همان آنجا به میرزا (ره) تقدیم کردیم، جد ما از تسلط مرحوم میرزا (ره) بسیار مسرور شده بود و لذا میرزا (ره) را مورد عنایت خود قرار داد.

یکی از ویژگیهای مرحوم میرزا (ره) در نجف اشرف، که تمام فضلاء نجف آن را به کرات مشاهده کردند و به آن شهادت می دهند، توسل و ولاء مرحوم میرزا (ره) بود، که علاوه بر جدیت در درس، و غرق در مسائل علمی، همواره توسل به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) را از یاد نمی برد و در انجام این کار زیانزد بود، فاضل محترم حجت الاسلام والمسلمین محمد علی مظاهری می گوید: توفیق یافتن با تعدادی از دوستان در سال 1384 ش به زیارت عتبات مقدسه نجف اشرف سفر نمایم و سعادت یاری کرد خدمت آیت الله سیستانی (دام ظلّه) رسیدم در آنجا ضمن رساندن سلام مخصوص مرحوم میرزا (ره) به ایشان، در خصوص شخصیت مرحوم میرزا (ره) صحبت شد، آیت الله سیستانی (حفظه الله) فرمودند: میرزای تبریزی از وقتی که نجف اشرف بود ولای عجیبی داشتند و محب سر سخت اهل بیت (علیهم السلام) بودند.

مرحوم میرزا (ره) هر روز به حرم مطهر مشرف می شدند و در کنار ضریح امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و با اخلاص و تواضع می ایستادند و با اشکی که در چشم ایشان حلقه می زد، امام (علیه السلام) را زیارت می کردند، و بارها و بارها مشاهده شد که قبل یا بعد از درس، جهت موفقیت و مددجویی به کنار ضریح مبارک امام (علیه السلام) می رفتند و با شوق و ذوق فراوان زمزمه می کرد، و در هنگام زیارت، واقعاً از خود بی خود می شدند، و شاید همان پیوند قوی بود که موجب شد بعد از رحلت ایشان به نقل از حجت الاسلام و المسلمین سید منیر خباز می گوید: یکی از سادات با معرفت مرا دید و این قضیه را نقل کرد که مرحوم میرزا (ره) را در خواب دیدم و گفت آقا خوشا به حالتان چه تشییع جنازه باشکوهی شد، چه مراسم با معنویتی برایتان برگزار گردید. آن سید می گوید: در عالم خواب به مرحوم میرزا (ره) گفتم شما این عظمت را مشاهده کردید؟ مرحوم میرزا (ره) فرمودند: از زمانی که روح از بدنم جدا شد در محضر مولی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در حال گفتگو و درد دل بودم و متوجه مراسم نشدم و الآن از آن ملاقات فارغ شدم. ایشان بارها و بارها به طلاب - به خصوص طلاب جوان - می فرمودند که از توسل به ائمه (علیهم السلام) غافل نباشید. که اگر آن ها بخواهند همه کارها درست خواهد شد، و شما نگران عدم توفیق نباشید، توسل کنید، آنان شما را کمک خواهند کرد، موفقیت مرحوم میرزا (ره) در گرو آن توسلات و شب زنده داریها بود که در دوران جوانی، آن هم در سن کم، نیمه شب وضو می ساخت و با تمام تواضع و فروتنی راز و نیاز می کرد. معروف است که خواب شب لذت بخش است لیکن مرحوم میرزا (ره) با ترک خواب نیمه شب عاشقانه در مقابل پروردگار زانو می زد و نیمه شب راز و نیاز می کرد.

به اعتراف همگان مرحوم میرزا (ره) دارای روحیات و ویژگیهای خاصی بود که هر طالبی را به خود جلب می کند و محبتشرا در دل او می افکند. علاقه و اشتیاق به تحقیق و تدریس جدیت و تلاش بی وقفه در راه تحصیل و آموختن، یکی از ویژگیها و امتیازات ایشان است که همگان را به تعجب واد می دارد. این خصیصه از بدو تحصیل در ایشان مشهود بوده است. خانواده مرحوم میرزا نقل می کنند که بارها در دوران تحصیل و تدریس ایشان، چه در نجف و چه هنگام مراجعت به قم شبانگاه به مطالعه پرداخته و قبل از اذان صبح کتاب و قلم را کنار گذاشته و به شب زنده داری می پرداختند.

هم معاصرین معظم له می گویند: همواره مرحوم میرزا (ره) در حال مطالعه بودند و هیچگاه در جلسات و مهمانیها شرکت نمی کردند، بلکه وقتشان چه در دوره قم یا در نجف اشرف منحصراً صرف امور علمی می گشت، خود ایشان گاهی می فرمودند:

من چهل سال است که معنای تعطیلی را نفهمیده ام.

این مرجع عالیقدر با وجود کهنیت سن نیز حاضر نبودند لحظه ای را هدر دهند و تمام ساعات عمرشان را وقف تلاش علمی می کردند، همانگونه که در نجف اشرف از رفتن به هر گونه مجلس و برنامه ای خودداری می کردند و حتی بعد از درس روز چهارشنبه، گاهی تا شنبه از منزل خارج نمی شوند و مشغول نوشتن و تحقیق بودند.

نظم، تواضع و فروتنی شدید، بی توجهی به ظواهر دنیوی، خضوع و خشوع در عبادت از دیگر خصوصیات اخلاقی برجسته مرحوم میرزا(ره) بود.

مرحوم میرزا(ره) هنگام ورود به نجف در درسهای گوناگونی حضور یافت، لیکن در نهایت پایبند درس مرحوم آیت الله العظمی خوئی(ره) گردید، و بتدریج از چهره های شاخص درس این استاد بزرگوار و عظیم الشان گردیده و مورد توجه ویژه ایشان قرار گرفت، معروف است که در آغاز حاضر شدن مرحوم میرزا(ره) در درس آیت الله خوئی(ره)، سید(ره) از مرحوم آیت الله محمد علی توحیدی(ره) سؤال می کند که این شخص کیست. شیخ توحیدی(ره) می گوید: این جواد است. اهل تبریز، سید خوئی(ره) می گوید: این شخص آینده بسیار درخشانی دارد و کم کم موجب می شود که سید خوئی(ره) ایشان را به شورای استفتاء خود دعوت کند، و در آن زمان در شورای استفتاء آیت الله خوئی(ره) آیات العظام، شیخ وحید خراسانی و سید علی سیستانی و سید محمد باقر صدر و شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ صدر بادکوبی و شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی شرکت می کردند، مرحوم میرزا(ره) نه سال درس آیت الله خوئی(ره) شرکت کرده و بیش از بیست سال در شورای استفتاء ایشان حاضر می شدند. مرحوم میرزا(ره) را می توانی یکی از شاگردان برجسته و مبرز مرحوم آیت الله خوئی(ره) دانست که همیشه مورد عنایت و توجه خاص استاد بود، و در اغلب جلسات علمی خصوصی استادشان نیز شرکت می نمود، و در بحثها و درسها با طرح اشکالات و مطرح کردن بحثهای علمی بر هر چه پربار شدن محفل علمی می افزودند. مرحوم میرزا(ره) طرف مشورت آیت الله خوئی(ره) بود، و در مسافرتها مرحوم میرزا(ره) را همراه می بردند. حجت الاسلام والمسلمین ناصر می گوید: فضلاء مشهد از آیت الله خوئی(ره) سوالاتی داشتند که من هنگامی که از ایران به عراق باز می گشتم موظف شدم جوابها را تهیه و به آنها ابلاغ کنم روی این اساس خدمت آیت الله خوئی(ره) رسیدم و مسائل را مطرح کردم ایشان(ره) به من گفت آقای ناصر این سوالات را از میرزا جواد بپرس و هر چه بگوید مورد قبول من است و هر چه بی جواب ماند پیش من بیاور، شیخ ناصر می گوید خدمت مرحوم میرزا(ره) رسیدم و تمام مسائل را مطرح کردم ایشان بدون هیچ مکتبی تمام جوابها را دادند و دیگر نیاز به رفتن بیش سید(ره) نشد واقعا مرحوم میرزا(ره) مسلط بود و هر سوالی را مطرح می کردم فوراً جواب آن را می دادند.

استاد علاوه بر تدریس و تحقیق در حوزه علمیه نجف، از امر تبلیغ احکام و مسائل دینی مردم نیز غافل نبود، و در ایام تبلیغی و فرصتهای مناسب به نقاط نیازمند تبلیغ، مسافرت می کرد و به تبلیغ احکام الله می پرداخت، و از آنجا که گفتارشان با عمل آمیخته بوده است، این تلاشها اثر بسیار مطلوبی را به جای می گذاشت که می توان گفت ناشی از اخلاق و روش برخورد ایشان با مردم است، تکمیل پایگذاری تشیع در منطقه کرکوک عراق را می توان از مهم ترین موفقیتها تبلیغی ایشان بحساب آورد به طوری که اکثر مردم آن مناطق بواسطه آشنایی با ایشان به مکتب غنی اهل بیت (علیهم السلام) روی آوردند و تاکنون پیرمردان آن منطقه ایشان را یاد دارند و بعضی از آنان با تحمل تمام مشقات سفر برای دیدار ایشان(ره) از عراق به قم می آمدند.

ساکین منطقه بشیر، تسعین و طوز خرما تو عراق همه علوی بودند و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحسین بشیری(ره) (پدر خانواده مرحوم میرزا(ره)) را به آن مناطق ارسال می کند و عمده تردد او در منطقه بشیر بوده، شیخ عبدالحسین(ره) موفق می شود تحولی در منطقه ایجاد کند و مردم را به تشیع بکشاند که مرحوم میرزا(ره) در ادامه تلاش شیخ بشیری (ره) تحولی عظیم در منطقه ایجاد می کند و تمام آن منطقه شیعه می گردند و تشیع در آن مناطق مرهون تلاشهای حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبد الحسین بشیری (ره) و فقیه راحل مرحوم میرزا (ره) است.

بعد از گذشت مدتی بعضی از شاگردان مرحوم میرزا (ره) که خود به درس خارج رسیده بودند، از ایشان می خواهند که به تدریس خارج پرداخته تا بتوانند طلاب از وجود ایشان استفاده کامل نمایند، ایشان درس خارج را در مسجد عمران شروع می نماید، تدریسی که سالها ادامه یافت تا آن که ماموران رژیم بعث عراق در شب جمعه سال 1354 ش با یورش به حوزه نجف اشرف فضلاء و طلاب را دستگیر کرده و از جمله مرحوم میرزا (ره) را در راه بازگشت از کربلاء به نجف دستگیر و در زندان (خان النصف) که در میان راه کربلاء و نجف - قرار داشت زندانی می کنند، دستگیری فضلاء و طلاب نیم ساعت به غروب آفتاب شب جمعه شروع و مرحوم میرزا(ره) شب هنگام دستگیر می شود، رژیم بعث هر طلبه ای را در خیابان و معابر عمومی مشاهده می کرد او را دستگیر و روانه قرارگاههای ارتش می نمود.

مرحوم میرزا (ره) خاطرات فراوانی از آن شب خان النصف (منطقه الحیدریه فعلی) داشتند، می فرمودند: شب سرد بود و ما را دستگیر و به پاسگاه پلیس در خان النصف برده و آنجا زندانی کردند، ما را در حیاط پاسگاه رها نمودند، جوانها به دنبال جای گرم می گشتند و هر کس هر امکاناتی داشت در اختیار دیگران قرار می داد بعضی از آقایان با توجه به اینکه نزدیک غروب دستگیر شده بودند شام میل نکرده و گرسنه بودند، بعد از چند لحظه بعضی از طلاب جوان از جمله حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد اشرفی آمد و گفت آقا آن طرف حیاط اسطبل اسب وجود دارد و گرم است، با توجه به سرمای موجود چاره ای نبود، مرحوم میرزا(ره) می گوید: سردم شده بود و یکی از آقایان به نام آقای محقق احساس کرد که می لرزم عباي خود را در آورد و

در اختیار من قرار داد و گفت آقا به خودتان ببینید، مرحوم میرزا (ره) چند نان (نوعی نان در کربلاء پخت می شد که مرغوب بود و بعضی آقایان با خود به نجف می آوردند) از کربلاء تهیه کرده بودند وقتی مشاهده کردند که بعضی آقایان گرسنه هستند نانها را به حجت الاسلام و المسلمین سید محمد علی ربانی دادند و فرمودند این را بین آقایان توزیع کن، بعد از چند لحظه مامورین بعث قدری خرما آورده و در وسط حیاط مقر شرطه ریختند، معلوم نبود که این خرما را برای اسبها بود یا برای زندانیان، حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد اشرفی می گوید: با آنکه آقایان گرسنه بودند کسی جرئت نمی کرد جلو برود و از آن خرما بردارد، حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علی و سید ابراهیم شیرازی (رحمة الله علیهما) دو فرزند آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی(ره) جلو رفتند و قدری از خرما را برداشتند و بین حاضرین تقسیم کردند که به هر کس دو خرما رسید، بعضی از آقایان در فکر فرار بودند و ماندن در آنجا را تحمل نمی کردند حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد تقی سخانی می گوید: حجت الاسلام مهدی زاده(ره) نزد من آمد و گفت نزدیک این راه پله کسی از مامورین نیست بیا از اینجا برویم بالای پشت بام و از پشت بام فاصله تا زمین کم است من با وضعیت موجود قبول نکردم، دیدم خودش با شتاب از پله ها بالا رفت و دیگر متوجه نشدم چه شد لکن بعد از نیم ساعت مشاهده کردم شیخ را بعثیها در حالی که عمامه اش را دور گردنش بسته اند می کشند و آنقدر این شیخ را زده بودند که قدرت حرکت نداشت، بعد از او سوال کردم چه شد دوباره تو را گرفتند گفت به خانه یکی از عربها پناه بردم پسرش به مامورین خبر داد، برخورد خشن و غیر انسانی رژیم بعث آنگونه بود که موجب اعتراض شهید آیت الله حاج شیخ احمد انصاری(ره) گردید آن مرحوم در مقابل استاندار کربلا از رفتار غیر انسانی آنان به شدت انتقاد نمود لکن آنان با آن قساوت قلبی که داشتند آنگونه برخورد می کردند که به نظرشان می رسید، و تنها چیزی که این جمع دستگیر شده را دل گرمی می داد، همان محبت و مودتی بود که بینشان وجود داشت، و بعد از دو روز مرحوم میرزا (ره) از زندان آزاد می گردد و به او یک هفته دولت بعث وقت می دهد که خاک عراق را ترک کند، روحیه مرحوم میرزا (ره) بعد از قضیه زندان خان النصف بسیار تغییر کرده بود، و برخورد تحقیر آمیز رژیم بعث سخت بر ایشان اثر گذاشت بود، لذا تصمیم گرفتند به هر نحو ممکن خاک عراق را ترک کند حجت الاسلام والمسلمین سید علی مرعشی به نقل از پدر بزرگوارشان آیت الله سید جعفر مرعشی(ره) می گوید: آیت الله خوئی(ره)، میرزا (ره) را به نهار دعوت می کند و می گوید: میرزا بمان شاید بتوان کاری کرد، لکن میرزا (ره) می گفت نه من تصمیم گرفته ام بروم و بر رفتن اصرار داشت، مرحوم میرزا(ره) می گفت من استخاره گرفته ام و استخاره بسیار خواب آمده.

از این رو میرزا(ره) در فاصله کوتاهی زندگی خود را جمع نموده و به سمت ایران حرکت کردند، و هنگامی که به مرز عراق رسیدند خبر لغو حکم تبعید ایشان رسید، لیکن میرزا (ره) قبول نکردند و به سمت خاک ایران حرکت کردند، از آنجا که مرحوم میرزا (ره) وزنه علمی در حوزه نجف حساب می شد و حوزه نجف به وجود ایشان افتخار می کرد بعضی آقایان از رفتن مرحوم میرزا(ره) گله مند شدند و از بزرگان خواستند که میرزا را منصرف کنند حجت الاسلام والمسلمین سید جواد گلپایگانی می گوید: آیت الله خوئی(ره) شخصی را مامور می کند که به دنبال میرزا(ره) برود و او را قانع کند برگردد در نیمه راه به ایشان می رسد لکن میرزا(ره) به بازگشت راضی نمی شود. مرحوم میرزا(ره) در قم مستقر می شوند و کم کم خبر حضور مرحوم میرزا(ره) در قم منتشر می شود، و طلاب کم کم در اطراف مرحوم میرزا (ره) جمع شدند، حتی بعضی از شاگردان مرحوم میرزا (ره) از نجف به قم آمدند، مرحوم میرزا (ره) در آغاز درس خارج خود را در مسجد کوچک که روبروی مسجد فاطمیه (گذر خان) بود شروع می کنند، لکن بعد از یک هفته به خاطر استقبال طلاب به مسجد عشقعلی منتقل می شود، و بعد از مدتی جای آن مسجد هم کفاف نمی کند به حسینیه ارك منتقل می شود، و بعد از مدتی حسینیه ارك هم پاسخگوی فضائی که در درس فقه شرکت می کردند نمی باشد لذا درس فقه به مسجد اعظم منتقل می شود، تدریس ایشان از هنگام ورود به قم در سال 1355ش تا شوال سال 1427ق مطابق با آذر 1385ش ادامه یافت، مرحوم میرزا (ره) در سالهای حضور در قم مقید به درس بودند و کمتر درس خود را تعطیل می کردند و حتی ایشان وقتی روزها از درس فقه فارغ می شدند یک درس فقه دیگر در بیت داشتند که بعدها به خاطر کثرت استفتاءات به جلسه استفتاء تبدیل شد.

حجت الاسلام والمسلمین حسین شوپائی می گوید: از امتیازات علمی مرحوم میرزا (ره)، طریقه تدریس ایشان بود. بنای ایشان در درس بر این بود که به مطالب اصلی و اساسی بحث اهتمام داده شود؛ یعنی نکات مهم و کلیدی بحث عنوان شده و تعمیق لازم در آن صورت بگیرد و نکات فرعی و جانبی به فهم شاگرد و تلاش او سپرده شود. روی این حساب درس های استاد چه در فقه و چه در اصول دو جهت عمق و اختصار را جمع کرده بود. از یک طرف از تفصیل و اطناب خالی بود و از طرف دیگر عمیق بود؛ چون مطالب اصلی و کلیدی را به شاگرد تلقین می کرد و با تسلطی که حضرت ایشان در مباحث داشت، مطالب ارائه شده در درس از قوت و استحکام بالایی برخوردار بود. اساساً مرحوم میرزا(ره) معتقد بودند برای این که شاگرد در درس پرورش پیدا کند وقوه استنباط و اجتهاد او شکوفا شود، باید نقاط حساس و اساسی مطلب در درس طرح شود و ذهن شاگرد به مطالب خود بخود روشن شده و در حل آن ها به کار گرفته شود که اگر مطالب اصلی و مهم و کلیدی بحث حل شود، بقیه مطالب خود بخود روشن شده، مرحوم میرزا(ره) اقوال و آراء مختلف را متعرض می شد ولی سعی می کردند به اختصار و اجمال از آن عبور کنند و بسط و تفصیل ندهند و تمام آراء و وجوه و انحاء متعدد آن طرح نشود، به جهت این که ذکر وجوه و اقوال متعدد با تفصیل و بسط کامل هر چند شاگرد را با این اقوال و مستندات آن آشنا می کند و از نظر کمی اطلاعات او را بیشتر می کند، ولی القاء همه این ها در مقام تدریس باعث می شود تا ذهن شاگرد با توجه به این اقوال به کار گرفته شده و خسته شود و از تحلیل و موشکافی کامل مطلب در نقاط حساس و اساسی باز بماند، در حالی که اگر با طرح بخشی از اقوال مهم و وجوه آن نقاط اساسی و کلیدی بحث به شاگرد نشان داده شود، و ذهن شاگرد در حل آن به کار گرفته می شود، این کار

باعث می شود تا قوه استنباط او پرورش پیدا کرده و شکوفا گردد و بر حل مطلب قدرت پیدا کند. وقتی مطلب را خوب حل کرد و با دست یافتن بر کلید مسأله قدرت نقض و گشودن گره ها را پیدا می کند و خودش می تواند بقیه اقوال و وجوه را بررسی کند و از عهده جواب مناسب برای آن برآید، و این خصوصیت ویژه ای بود که در درس مرحوم میرزا (ره) وجود داشت. از طرفی دیگر ارتباط مسائل فقهی با همدیگر و تأثیر ادله وارده در ابواب مختلف، در کشف حکم شرع در ابواب دیگر اقتضاء می کند که فقیه در استنباط حکم هر باب از مدارک و منابع مربوط به ابواب دیگر نیز مطلع باشد، و این جز با احاطه بر کل فقه و زوایای مختلف ابواب حاصل نمی گردد از این رو احاطه گسترده تر بر ابواب فقه در توانمندی و استحکام استنباط حکم در هر باب تأثیری بسزا دارد. از امتیازات مرحوم میرزا (ره) این بود که بر کل ابواب فقه احاطه داشت، و در بررسی مسائل و استنباط احکام از ادله و منابع وارده در ابواب دیگر غافل نبود، و در مواقع متعدد به این ارتباط اشاره می فرمود، و شاگردان را از آن مطلع می ساختند. در اصول نیز این جهت اهمیت دارد و ارتباط مسائل با همدیگر از نکات قابل توجه می باشد. رعایت این جهت و نیز تطبیق مسائل اصول بر فروع فقهی و کاربردی کردن آن از امتیازات و ویژگی های درس اصول استاد (ره) بود، و شاگرد در این درس، جایگاه استفاده از این قواعد و تطبیق آن بر فروع را در قالب نمونه های متعدد، به صورت تمرین ارائه می داد.

منابع درسی مرحوم میرزا (ره) در ابواب عبادات نوعاً کتاب هایی مثل: مدارک، حدائق، جواهر، مصباح الفقیه، مستمسک و مستند (تقریرات درس مرحوم سید خونی (ره)) را مورد توجه قرار می دادند، و با توجه به کلمات این بزرگان، مطالب را مطرح نمود و بررسی و تحقیق می کرد، البته به «تعلیق» مرحوم بروجرودی بر «عروة» نیز توجه خاص داشتند و در موارد متعدد به حواشی ایشان اشاره می کردند. در غیر عبادات نیز بخشی از این کتاب مذکور - در صورت موجود بودن - استفاده می شد و بعضی دیگر را از منابع دیگر جایگزین می کردند. مثلاً در بحث مکاسب محور کلام، بحث و مطالب مرحوم شیخ انصاری در مکاسب بود و به تناسب، حواشی اعلام بر مکاسب، مورد نقض و ابرام قرار می گرفت. در اصول غیر از کفایة الأصول [که محور تدریس بود] یعنی مطالب مطرح شده در اصول به ترتیب کفایه پیش می رفت، ابتدا نظرات مرحوم آخوند (ره) به خوبی تبیین می شد، و آنگاه گفتار دیگر بزرگان مطرح شده و مورد نقض و ابرام قرار می گرفت [نوعاً مطالب محقق نائینی (ره) و مرحوم آیت الله خونی (ره) و در بعضی از موارد، نظرات محقق عراقی (ره) و محقق اصفهانی (ره) نیز طرح و نقد می شد، و همچنین نظرات اعلام دیگر چنانچه بحث اقتضاء می کرد، بررسی می شد.

مرحوم میرزا (ره) در طرح مسائل در درس شیوه خاصی داشت، که بر اساس آن بین عمق و اختصار جمع بندی می شد. به کارگیری این شیوه در مقام تدریس و نیز داشتن روحیه تواضع، و میدان دادن به شاگرد جهت طرح اشکال و رفع ابهام، و برخورد پدرا نه و با محبت در تفهیم مطالب به شاگردان، و اهتمام به مورد سؤال و جواب از امتیازات مرحوم میرزا (ره) بود، استاد (ره) اعتقاد داشتند که بسیاری از مطالب علمی در سایه همین سؤال و جواب و رد و بدل شدن مطالب برای شاگرد روشن می شود، لذا تعیین وقت خاص جهت این امر [که این مورد از ابتدای ورود مرحوم استاد (ره) به قم و شروع به تدریس، هر روز بعد از ساعت ده صبح تا ظهر به عنوان برنامه ثابت و مستمر در منزل ایشان انجام می شد] قرار داده بودند، شیوه مرحوم میرزا (ره) خصوصیت ممتازی داشت که درس ایشان را جولانگاه تحقیق و تعمیق و پرورش محقق و مجتهد قرار داده بود، و در این بستر مناسب فضلا و محققین بسیاری پرورش یافته اند که با استفاده از این اندوخته ارزشمند و میراث گرانبغدی، خود به تدریس علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) اشتغال دارند، و طلاب بسیاری را از سرمایه علمی خود بهره مند می کنند، و بدین سان چراغ پر فروغی که حضرت استاد (ره) برافروخت همچنان در حوزه های علمیه شیعه در سراسر کشور مخصوصاً در حوزه علمیه قم درخشش و نور افشانی دارد.

میرزا (ره) غیر از چهار سال آخر عمرشان که در بیماری بسر می بردند به تدریس منظم دروس اصول و فقه اشتغال داشتند، و در طول حضور مرحوم میرزا (ره) در قم حتی در ایام جنگ و بمباران مشاهده نشد که درس ایشان تعطیل شود.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن کاتبی می گوید: در طول بیست سال درسی که من اطلاع دارم مشاهده نشد که مرحوم میرزا (ره) درس خود را تعطیل کند. صبح و عصرها در درس میرزا شرکت می کردیم. يك روز درس بعد از ظهر مرحوم میرزا (ره) تشریف نیاوردند. به طلبه ها گفتم: آخرش يك روز درس تعطیل شد. طلبه ها آماده شده بودند که از محل درس خارج شوند که يك دفعه دیدم میرزا (ره) وارد مسجد شد و طلبه ها به هم گفتند: امروز هم که انتظار می رفت درس تعطیل شود، میرزا (ره) آمد. سؤال شد: استاد چرا تأخیر کردید؟ فرمود: امروز ساعت اشتباه بود؛ لذا نتوانستم سر وقت در سر جلسه حاضر شوم. به جز ایام بیماری مرحوم میرزا (ره) هیچگاه مشاهده نشد درس ایشان تعطیل شود. با عشق همچون شمع می سوختند تا طلابی مفید و فاضل تربیت نمایند، که بحمدلله در این کار موفق شدند و امروز شاگردان آن عالم فرزانه سکان دار سطوح عالی حوزه می باشند. حجت الاسلام والمسلمین شیخ رضا انصاری می گوید: روزی خادم حسینیہ ارک نیامد و دربهای حسینیہ بسته ماند، از این رو بیشتر طلابی که در بیرون تجمع نموده بودند بتدریج وبا نا امید شدن از آمدن خادم و باز شدن درب حسینیہ متفرق گردیدند، در این میان مرحوم میرزا (ره) از راه رسید و پس از آگاه شدن از بسته بودن درب به جای آن که اعلان تعطیلی درس را بنمایند، به باقیمانده شاگردان فرمودند امروز درس را در زیر زمین مدرسه (منتدی جبل عامل) که در نزدیکی حسینیہ ارک قرار داشت می خوانیم، همگی در خدمت استاد (ره) به منتدی رفته و درس را همچون دیگر روزها بیان فرمودند. همچنین روزی دیگر در دروان جنگ در بین درس استاد در حسینیہ ارک، آژیرهای خطر به صدا درآمد که نشان از حمله هوایی دشمن کافر بود، در این هنگام در میان ترس و وحشت، ناگاه صدای انفجار به گوش رسید بطوری که تمام حسینیہ را لرزاند و خاک فراوانی از سقف بر روی طلاب فرو ریخت، پس از آرام شدن وضع بار دیگر مرحوم استاد (ره) پس از اطمینان از سلامت طلاب درس را طبق روال معمول ادامه دادند. روحش شاد و راهش پر رهروا باد که واقعا ایشان با فداکاری که انجام

دادند علاوه بر تحول در سطح علمی حوزه مدافع راستین ولایت بودند و جای خالی ایشان بوضوح حس می شود، انا لله و انا  
إليه راجعون. «رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَسِعَتْ وَحَشْرُهُ اللَّهُ مَعَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَطْيَبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»